رویداد

نخستین نیروگاه بادی ایران وارد فرابورس شد

سوم شهریور، ۹ درصد از سهام شرکت تولید نیروی برق سبز منجیل در بازار دوم فرابورس ایران عرضه و هر سهم این شرکت با مشارکت ۲۲۲ صندوق سرمایه‌گذاری، ۱۸۴۵ تومان کشف قیمت شد. محمدعلی شیرازی مدیرعامل فرابورس ایران در ابتدای این مراسم، عرضه اولیه منجیل را گامی مهم در توسعه بازار سرمایه در حوزه انرژی‌های پاک دانست و گفت: فرابورس ایران روز جاری میزبان عرضه اولیه نخستین و بزرگ‌ترین نیروگاه تجدیدپذیر بازار سرمایه است. محمدعلی شیرازی با اشاره به اینکه برق یکی از نیازهای حیاتی صنایع مختلف است، توضیح داد: فرابورس، تأمین مالی شرکت‌های حوزه انرژی به ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر را در دستور کار خود قرار داده است و تاکنون ۶ نیروگاه تجدیدپذیر در فرابورس پذیرش شده یا در مرحله بررسی قرار دارند. به گفته مدیرعامل فرابورس ایران همچنین بزرگ‌ترین آب‌شیرین کن نیز در فرابورس پذیرش شده و امید است در یک ماه آینده به عنوان نخستین تولیدکننده آب‌شیرین کن وارد بازار سرمایه شود. شیرازی در ادامه با اشاره به جزییات پذیرش شرکت‌ها در حوزه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، گفت: در حوزه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، شرکت‌های مدیریت فرایندهای نیروگاهی ایرانیان و گروه توسعه اقتصادی ماهتاب در بازار دوم فرابورس ایران پذیرفته شده‌اند ضمن آنکه فرایند پذیرش شرکت تأمین انرژی برق ایرانیان تابان نیز در حال بررسی است. مدیرعامل فرابورس ایران افزود: در بازار نوآفرین نیز کلیات طرح پروژه نیروگاه خورشیدی دامغان به تأیید هیات پذیرش رسیده و نیروگاه بادی برق بینالود نیز درخواست پذیرش خود را ارایه کرده که در حال حاضر در حال بررسی است. شیرازی حضور نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در بازار سرمایه را گامی مهم در مسیر تأمین مالی و توسعه زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر کشور عنوان کرد. سید کامل تقوی‌نژاد دبیر هیات دولت هم، در آیین عرضه اولیه نخستین نیروگاه تجدیدپذیر در فرابورس ایران، از تلاش‌ها برای ورود این نیروگاه به بازار سرمایه قدردانی کرد و گفت: دولت در حوزه انرژی به صورت هوشمندانه، این موضوع را در اولویت قرار داده و مسوولان بازار سرمایه نیز در همین مسیر در حال حرکت هستند. تقوی‌نژاد ابراز امیدواری کرد با تداوم این اقدامات، کشور به سمت استفاده از انرژی‌های پایدار و طبیعی حرکت کند.

ادامه از صفحه اول

صبر یا تعقیب قیمت؟

متاسفانه یکی از رفتارهایی که در چنین شرایطی بارها در میان سرمایه‌گذاران خرد مشاهده می‌شود، ورود هیجانی به بازار است. برخی افراد پس از مشاهده رشد سریع قیمت و با تصور اینکه «اگر همین حالا وارد نشوم، فرصت برای همیشه از دست خواهد رفت»، اقدام به خرید در بالاترین و پرریسک‌ترین نقاط می‌کنند. این رفتار زمانی خطرناک‌تر می‌شود که فرد با تمام سرمایه خود یا حتی با پول قرضی، وام و منابعی که برای هزینه‌های ضروری زندگی در نظر گرفته شده است وارد بازار شود. در چنین شرایطی، مساله تنها انتخاب قیمت نامناسب نیست، بلکه مدیریت سرمایه نیز از اساس نادیده گرفته شده است. سرمایه‌گذاری اصولی باید به شکلی انجام شود که حتی در صورت حرکت خلاف انتظار بازار، فرد توانایی مدیریت موقعیت خود را داشته باشد. ورود با تمام سرمایه در یک نقطه، عملا انعطاف‌پذیری سرمایه‌گذار را از بین می‌برد و امکان خرید در قیمت‌های پایین‌تر را نیز از او می‌گیرد. نتیجه چنین رفتاری را می‌توان در اتفاقی که طی روز معاملاتی سه‌شنبه ۳ شهریورماه رخ داد، مشاهده کرد؛ حرکتی که در نهایت باعث شد بخشی از سرمایه‌گذاران خرد با زیان مواجه شوند. البته چنین اتفاقی موضوع جدیدی در اقتصاد و بازارهای مالی نیست. در دوره‌های مختلف، بارها شاهد آن بوده‌ایم که سرمایه‌گذاران خرد در زمان اوج هیجان وارد بازار شده‌اند و پس از پایان موج اولیه، با اصلاح قیمت و کاهش ارزش دارایی خود مواجه شده‌اند. در نهایت، اگر بخواهیم تمام این موارد را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت که در اکثر مواقع، صبر برای ورود در نواحی اصلاح شده می‌تواند یکی از منطقی‌ترین تصمیمات سرمایه‌گذاری باشد. البته همیشه نمی‌توان انتظار داشت که بازار دقیقا مطابق انتظار ما اصلاح کند. گاهی به دلیل ورود نقدینگی جدید، اخبار مثبت، تغییرات بنیادی یا ایجاد یک روند قدرتمند، قیمت بدون اصلاح عمیق به حرکت صعودی خود ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی، اصرار بر خرید در پایین‌ترین قیمت ممکن نیز می‌تواند باعث از دست رفتن فرصت شود. راهکار منطقی می‌تواند این باشد که در صورت ادامه حرکت صعودی، منتظر تثبیت قیمت، تشکیل کف بالاتر و تایید ادامه روند باشیم و سپس با حجم مناسب‌تری وارد بازار شویم. بنابراین، دو سناریوی اصلی برای ورود را می‌توان در نظر گرفت:

۱. ورود در اصلاح

انتظار برای کاهش قیمت و رسیدن دارایی به محدوده‌های حمایتی یا نواحی جذاب‌تر و سپس ورود به صورت پله‌ای.

۲. ورود پس از تثبیت

در صورتی که اصلاح عمیقی شکل نگیرد، انتظار برای تثبیت قیمت و مشاهده نشانه‌های ادامه روند و سپس ورود در قیمت بالاتر اما با ریسک تکنیکی کمتر، مثال بیت‌کوین در محدوده ۶۰ هزار دلار. برای درک بهتر این موضوع می‌توان به بیت‌کوین در محدوده ۶۰ هزار دلار نیز اشاره کرد. در آن مقطع، بازار پس از چند ماه روند نزولی، در محدوده ۶۰ هزار دلار با یک دوراهی مهم مواجه شده بود. از یک طرف، این محدوده نشانه‌هایی از کف‌سازی و حمایت مناسب را نشان می‌داد و از طرف دیگر، روند نزولی شکل گرفته در ماه‌های قبل همچنان پابرجا بود. در چنین شرایطی، شاید یکی از منطقی‌ترین تصمیمات این بود که سرمایه‌گذار برای ورود با حجم بالا عجله نکند و دو سناریو را در نظر داشته باشد. در سناریوی اول، منتظر اصلاح بیشتر و ورود قیمت به زیر محدوده ۶۰ هزار دلار بماند تا در صورت مشاهده واکنش مناسب خریداران، بتواند در قیمت‌های جذاب‌تر اقدام به خرید پله‌ای کند. در سناریوی دوم، اگر قیمت بدون اصلاح عمیق شروع به رشد کرد به‌جای تعقیب هیجانی قیمت، منتظر تشکیل کف و سقف بالاتر، تثبیت قیمت و تایید تغییر ساختار روند بماند و سپس در اعداد بالاتر، اما در شرایط ایمن‌تر وارد بازار شود. ممکن است در نگاه اول، اختلاف چند درصدی میان قیمت ورود اولیه و قیمت ورود پس از تایید روند، چندان مهم به نظر نرسد؛ اما مساله اصلی در سرمایه‌گذاری حرفه‌ای، تنها یک معامله نیست. تکرار مداوم تصمیمات درست، مدیریت ریسک و صبر برای ورود در موقعیت‌های مناسب است که در بلندمدت تفاوت‌های بسیار بزرگی در نتیجه نهایی ایجاد می‌کند.

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

رکوردشکنی‌های پیاپی بورس

بازار سهام همچنان سبزپوش است و روزهای خوبی را سپری می‌کند، این موضوع در حالی است که بازارهای موازی بورس تهران این روزها در حال تجربه نوسان‌های جزئی هستند.

شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته نیز توانست رکوردشکنی کند و وارد محدوده ۶.۳ میلیونی شد. بازار سهام طی روزهای گذشته با رکوردشکنی‌های پی‌درپی مواجه شده است و هر روز توانسته وارد محدوده‌ای جدید شود. این موضوع در حالی است که همچنان سایه ریسک‌ها روی بازار سهام وجود دارد و برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که اگر شرایط چنین پیش رود احتمالا هفته آینده نیز روند بورس صعودی باشد؛ اما نکته اساسی اینجاست که رشد بورس همانند هفته جاری نخواهد بود و طی روزهایی شاهد اصلاح خواهیم بود. به بیان ساده‌تر بازار رشد خواهد کرد؛ اما این رشد همانند این هفته رشد بسیار قدرتمندی نخواهد بود و بازار با رشد کمتر و حتی روزهایی با اصلاح پیش خواهد رفت.

بازار از دریچه معاملات

معاملات بورس تهران در آخرین روز معاملاتی هفته یعنی چهارشنبه ۴ شهریورماه با غلبه محسوس تقاضا و افزایش صفوف خرید همراه بود؛ روندی که نه‌تنها شاخص را دوباره رکوردشکن کرد، بلکه شاخص هم‌وزن را نیز توانست در شرایط بسیار مساعدی قرار دهد. ثبت صف‌های خرید گسترده، ورود پرقدرت پول حقیقی و خروج منابع از صندوق‌های درآمد ثابت، مهم‌ترین نشانه‌های معاملاتی روزی بود که بورس تهران بار دیگر در کانون توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفت. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات روز چهارشنبه با رشد ۱۶۲ هزار و ۶۹۸ واحدی، معادل ۲.۶۱ درصد افزایش یافت و در سطح ۶ میلیون و ۳۸۶ هزار و ۵۷۶ واحد ایستاد. این رشد را می‌توان یک رکورد جدید برای شاخص کل به‌حساب آورد و نشان می‌دهد که نمادهای بزرگ و اثرگذار بازار همچنان در جذب نقدینگی موفق هستند یا به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که بورس تهران در جذب نقدینگی موفق است. بااین حال، صعود بازار در این روز محدود به شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز نبود. شاخص هم‌وزن نیز ۳۷ هزار و ۶۳۷ واحد افزایش یافت و با رشد ۲.۱۳ درصدی در محدوده یک میلیون و ۸۰۲ هزار و ۷۷۳ واحد قرار گرفت. هم‌جهتی رشد شاخص کل و شاخص هم‌وزن را می‌توان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات در این روز دانست؛ زیرا این وضعیت نشان می‌دهد جریان خرید در سطحی گسترده‌تر از چند نماد بزرگ در بازار توزیع شده است.

برتری کم‌سابقه خریداران

در پایان داد و ستدهای روز اخیر، ۷۹۲ نماد در محدوده مثبت معامله شدند و تنها ۵۶ نماد کاهش قیمت را تجربه کردند. چنین ترکیبی از نمادهای مثبت و منفی، از گستردگی موج خرید در بازار حکایت دارد؛ موضوعی که با وضعیت صف‌های خرید و فروش نیز تأیید می‌شود. بر اساس داده‌های معاملاتی، ۵۶۱ نماد در صف خرید قرار داشتند، در حالی که تعداد نمادهای دارای صف فروش تنها به ۱۰ مورد رسید. این فاصله معنادار میان صف‌های خرید و فروش، بیانگر آن است که در بخش بزرگی از بازار، تقاضا بر عرضه پیشی گرفته و فروشندگان تمایل کمتری به عرضه سهام در قیمت‌های جاری داشته‌اند. ارزش سفارش‌های خرید در پایان معاملات به ۱۴ هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان رسید؛ در مقابل، ارزش سفارش‌های فروش تنها ۳۶۹ میلیارد تومان ثبت شد. اختلاف میان این دو رقم، یکی از نشانه‌های آشکار فشار تقاضا در بازار روز اخیر بود. در واقع، حجم بالای سفارش‌های خریدی که پشت صف‌ها باقی مانده‌اند، نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران همچنان در انتظار فرصت ورود به نمادهای مورد توجه بازار هستند. البته صف‌های خرید سنگین، در کنار آنکه نشانه‌ای از تقاضای بالا محسوب می‌شوند، می‌توانند نقدشوندگی کوتاه‌مدت سهام را نیز تحت تأثیر قرار دهند. زمانی که قیمت تعداد زیادی از نمادها در سقف مجاز روزانه تثبیت می‌شود و فروشنده کافی برای پاسخ به سفارش‌ها وجود ندارد، معامله مؤثر در آن نمادها کاهش پیدا می‌کند و بخشی از تقاضا بدون انجام معامله در صف باقی می‌ماند.

ارزش معاملات کاهش یافت

ارزش معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در روز چهارشنبه به ۳۱ هزار و ۱۱۵ میلیارد تومان رسید و حجم داد و ستدها نیز ۶۵۸ میلیارد سهم ثبت شد. اگرچه ارزش معاملات نسبت به روز گذشته کاهش نشان می‌دهد، اما بررسی وضعیت صفوف خرید نشان می‌دهد این افت لزوماً به معنای کاهش توجه سرمایه‌گذاران یا خروج نقدینگی از بازار نیست. در روزهایی که تعداد بالایی از نمادها با صف خرید مواجه می‌شوند، بخش مهمی از سفارش‌های خرید به معامله نهایی تبدیل نمی‌شود. علت آن است که فروشندگان حاضر به عرضه در قیمت‌های فعلی نیستند یا حجم عرضه پاسخگوی تقاضای ثبت‌شده نیست. در نتیجه، باوجود قدرت بالای خریداران، بخشی از نقدینگی پشت صف‌ها متوقف می‌ماند و رقم ارزش معاملات ممکن است در مقایسه با روزهایی که عرضه بیشتری در بازار وجود دارد، کمتر ثبت شود. از این منظر، ارزش معاملات بیش از ۳۱ هزار میلیارد تومانی همچنان سطحی قابل توجه برای بازار سهام به شمار می‌رود. به‌ویژه آنکه این رقم در شرایطی به ثبت رسیده که شمار زیادی از نمادها عملاً با صف خرید قفل بوده‌اند؛ بنابراین، ارزیابی کیفیت معاملات روز اخیر صرفاً بر مبنای مقایسه ارزش داد و ستدها با روز گذشته، تصویر کاملی ارائه نمی‌کند و باید هم‌زمان وضعیت صف‌ها، نسبت سفارش‌های خرید و فروش و جریان پول حقیقی نیز در نظر گرفته شود.

ورود ۴،۶ همت پول حقیقی

یکی دیگر از متغیرهای مهم معاملات روز اخیر، ورود ۴ هزار و ۶۲۵.۴ میلیارد تومان پول حقیقی به سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی بود. ورود پول حقیقی معمولاً به‌عنوان یکی از شاخص‌های سنجش تمایل سرمایه‌گذاران خرد به بازار تلقی می‌شود و رقم ثبت‌شده امروز، از افزایش جدی ریسک‌پذیری معامله‌گران حقیقی حکایت دارد. سرانه خرید حقیقی‌ها در معاملات ۱۰۰.۴ میلیون تومان و سرانه فروش آنان ۷۰.۱ میلیون تومان بود. نسبت قدرت خرید حقیقی به فروش حقیقی نیز به ۱.۴۳ رسید؛ رقمی که نشان می‌دهد میانگین توان خرید سرمایه‌گذاران حقیقی، بالاتر از میانگین فروش آن‌ها بوده است. این نسبت، در کنار ورود خالص پول حقیقی، تأیید دیگری بر تسلط سمت تقاضا در بازار امروز محسوب می‌شود. به بیان دیگر، رشد شاخص‌ها تنها ناشی از حرکت قیمتی نمادهای بزرگ نبود، بلکه ورود منابع جدید و افزایش قدرت خرید معامله‌گران حقیقی نیز از این روند حمایت کرد. در چنین شرایطی، تداوم جریان ورود پول می‌تواند یکی از عوامل تعیین‌کننده برای ادامه‌دار بودن رونق معاملات باشد؛ هرچند پایداری آن به رفتار عرضه‌کنندگان، تحولات متغیرهای کلان اقتصادی و انتظارات فعالان بازار وابسته خواهد بود.

خروج پول از صندوق‌های کم‌ریسک

هم‌زمان با ورود پول حقیقی به سهام و صندوق‌های سهامی، ۷۹۷ میلیارد تومان منابع از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. این اتفاق می‌تواند نشانه‌ای از جابه‌جایی بخشی از نقدینگی میان ابزارهای مالی باشد؛ به‌این معنا که بخشی از سرمایه‌گذاران، با افزایش جذابیت بازار سهام، منابع خود را از گزینه‌های کم‌ریسک‌تر خارج کرده و به‌سمت دارایی‌های دارای بازدهی بالقوه بالاتر حرکت داده‌اند. صندوق‌های درآمد ثابت معمولاً مقصد سرمایه‌گذاران محتاط‌تری هستند که اولویت اصلی آن‌ها حفظ سرمایه و دریافت بازدهی با نوسان محدود است. خروج منابع از این صندوق‌ها، به‌ویژه در کنار ورود پول به بازار سهام، می‌تواند نشانه تقویت اشتهای ریسک در میان بخشی از فعالان بازار باشد. به‌طور کلی معاملات طی هفته جاری با رکوردشکنی همراه بود، رکوردشکنی‌های که توانست به ترتیب شاخص را وارد محدوده ۶.۲ الی ۶.۳ میلیون واحدی کند. کارشناسان عقیده دارند که یکی از دلایل این روند افزایش ورود نقدینگی به بازار و افزایش سیگنال‌های مثبت به بازار است. در کنار هم قرار گرفتن این دو مؤلفه باعث شده که بازار بتواند بازار در هفته روند مثبتی را تجربه کند. به عقیده این گروه اگر اخبار سیاسی منفی و سنگینی در بازار وجود نداشته باشند شاخص به صعود خود ادامه خواهد داد، البته شاخص در بین استراحت‌هایی خواهد داشت که اما بعید به نظر می‌رسد که شاخص سقوط سنگین را تجربه کند.

نسخه سن پترزبورگ برای نجات بازار انرژی ایران

در تلاطم‌های ژئوپلیتیک کنونی و با گذار اقتصاد جهانی به سمت نظم‌های چندقطبی، مفهوم «امنیت انرژی» از یک کالای استراتژیک ساده، به ستون فقراتِ قدرت ملی بدل شده است. در این میان، پرسش اساسیِ پیش روی اقتصادهای متکی به منابع انرژی همچون ایران و روسیه این است: «چگونه می‌توان در عین حفظ استقلال ملی، از دام قیمت‌گذاری‌های دستوری ناکارآمد رهایی یافت و به بازیگران اصلی در بازارهای منطقه‌ای تبدیل شد؟»

پاسخ به این پرسش کلیدی در کانون گفت‌وگوهای اخیر «ایگور آرتمیف»، مدیرعامل بورس بین‌المللی کالای سن‌پترزبورگ (SPIMEX) نهفته است. آرتمیف که به عنوان یکی از استراتژیست‌های کلیدی توسعه بازارهای متشکل در اوراسیا شناخته می‌شود، در گفت‌وگویی اختصاصی با بورس انرژی ایران، نقش «بورس‌های انرژی» را نه فقط به عنوان پلتفرم‌های معاملاتی، بلکه به عنوان «موتورهای تحول‌گرای اقتصادی» باز تعریف کرده است. این گزارش با نگاهی به محورهای کلیدی اظهارات او، به بررسی این مساله می‌پردازد که چگونه تعامل فنی و زیرساختی میان تهران و سن‌پترزبورگ می‌تواند به مثابه یک «نقشه راه نجات» برای بخش انرژی ایران عمل کند.

پایان عصر قیمت‌گذاری‌های دستوری گذار به بلوغ اقتصادی

بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، از جمله بخش‌هایی از صنایع ایران، دهه‌هاست که با چالش «قیمت‌گذاری دولتی» دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مدیرعامل SPIMEX در تحلیل خود از این پدیده، نگاهی ساختاری دارد. از منظر او، بازارهای متشکل انرژی در تقابل مستقیم با اقتصادهای دستوری قرار دارند؛ چرا که این بازارها «محیطی شفاف و رقابتی ایجاد می‌کنند که در آن قیمت‌ها به‌صورت عینی و براساس عرضه و تقاضای واقعی شکل می‌گیرند.» این جمله اگرچه ساده به نظر می‌رسد، اما یک دگرگونی پارادایمیک را طلب می‌کند. آرتمیف استدلال می‌کند که وقتی قیمت یک حامل انرژی (نفت، گاز یا فرآورده‌های پالایشی) به صورت دوری و دولتی تعیین می‌شود، «سیگنال‌های قیمتی» برای سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان مخدوش می‌شود. وقتی سیگنال مخدوش باشد، «تخصیص منابع» بهینه نخواهد بود. برای نمونه، پروژه‌های زیرساختی بلندمدت در صنایع انرژی بر ایران که معمولاً به دلیل نبودِ پیش‌بینی‌پذیری هزینه‌های انرژی، با توقف یا کندی مواجه می‌شوند، نیازمند «شاخص‌های قیمتی شفاف» هستند. آرتمیف در این باره می‌گوید: «برای صنایع سرمایه‌بر که پروژه‌های بلندمدت زیرساختی را اجرا می‌کنند، چنین شاخص‌هایی اهمیت ویژه‌ای دارند. این شاخص‌ها دقت پیش‌بینی هزینه‌های آینده انرژی را افزایش می‌دهند، کیفیت برنامه‌ریزی مالی را بهبود می‌بخشند و ریسک‌های مرتبط با تصمیم‌های سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند.» به بیان ساده‌تر، بورس انرژی ایران با تبدیل شدن به یک مرجع قیمتی (Price Discovery Center)، می‌تواند ریسک «نامعلوم بودن هزینه‌های آینده» را برای پروژه‌های بالادستی و میان‌دستی صنعت نفت و گاز ایران از بین ببرد. این امر یعنی ورود نقدینگی بخش خصوصی که مدت‌هاست به دلیل ابهام در بازگشت سرمایه از این بخش گریزان بوده است.

رقابت بین حامل‌های انرژی؛ ابزار پنهان بهینه‌سازی مصرف

یکی از درخشان‌ترین بخش‌های گفت‌وگوی مدیرعامل SPIMEX، اشاره به مفهوم «رقابت بین حامل‌های انرژی» (Interfuel Competition) است. در اقتصادهای سنتی، معمولاً دولت‌ها با ارایه یارانه‌های پنهان یا قیمت‌گذاری‌های غیرواقعی برای منابع مختلف انرژی، ساختار مصرف را دچار اعوجاج می‌کنند. آرتمیف به‌درستی اشاره می‌کند که وقتی بازار آزاد باشد، «مصرف‌کننده‌ای که به سازوکارهای مبتنی بر بازار دسترسی دارد، می‌تواند قیمت منابع مختلف انرژی را به سرعت و به‌طور کارآمد مقایسه کرده و درباره نحوه استفاده از آنها تصمیم‌های آگاهانه بگیرد.» این دقیقاً همان چیزی است که اقتصاد ایران برای خروج از بحران ناترازی انرژی به آن نیاز دارد. در حال حاضر، به دلیل فقدان یک بازار رقابتی شفاف بین گاز و سایر فرآورده‌ها، صنایع ایران دلیلی برای تغییر سوخت یا افزایش بهره‌وری ندارند. وقتی قیمت واقعی در بورس کشف شود، کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها ناچار می‌شوند به سمت «گزینه‌های بهینه‌تر» سوق پیدا کنند. این مکانیسم «جابه‌جایی مصرف‌کنندگان از یک بازار به بازار دیگر»، باعث می‌شود قیمت حامل‌های انرژی نه با دستور، بلکه «در سطحی متوازن نسبت به یکدیگر» باقی بماند. این یعنی افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، بدون نیاز به بخشنامه‌های دستوری دولت. در واقع، بازار بورس انرژی می‌تواند نقش «تنظیم‌گر هوشمند» را ایفا کند که با ایجاد تعادل بین عرضه‌کنندگان و خریداران، بهره‌وری ملی را به صورت خودکار ارتقا می‌دهد.

شبکه اوراسیایی؛ چرا همکاری تهران و سن‌پترزبورگ حیاتی است؟

در شرایطی که تحریم‌های ظالمانه علیه اقتصاد ایران و روسیه محدودیت‌هایی را در بازارهای جهانی ایجاد کرده است، آرتمیف به نکته راهبردی دیگری اشاره می‌کند: «بورس انرژی ایران شریک ماست و ما از سطح همکاری حرفه‌ای خود با این بورس بسیار قدردانی می‌کنیم.» پیوستن بورس انرژی ایران به «انجمن بین‌المللی بورس‌های کالا و معاملات آتی» نه یک اتفاق نمادین، بلکه یک حرکت ژئواکونومیک است. در دنیای فعلی، تجارت انرژی به سمت «اتحادیه‌های منطقه‌ای» حرکت می‌کند. همکاری میان تهران و سن‌پترزبورگ می‌تواند بستر لازم برای ایجاد یک «پلتفرم معاملات مشترک» در منطقه اوراسیا را فراهم کند. این همکاری دو دستاورد کلیدی برای طرف ایرانی دارد: ۱- افزایش نقدشوندگی بازار صادراتی: با مشارکت شرکت‌های خارجی در معاملات بورس انرژی، بازار صادراتی ایران از انحصار خارج شده و با تنوع‌بخشی به خریداران، «قدرت چانه‌زنی» ایران افزایش می‌یابد. این مشارکت، ریسک بازار را تقسیم کرده و تنوع سبد مشتریان را برای محصولات پتروشیمی و پالایشی تضمین می‌کند. ۲- استانداردسازی معاملات: همسویی با استانداردهای SPIMEX به بورس انرژی ایران کمک می‌کند تا سازوکارهای خود را با استانداردهای بین‌المللی تطبیق دهد، که این امر پیش‌نیاز اساسی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی در دوران‌های آتی است. انتقال دانش فنی و تجربیات بورس سن‌پترزبورگ در مدیریت نوسانات بازار، دارایی ارزشمندی است که می‌تواند سطح مدیریت بازار ایران را چندین پله ارتقا دهد.

دیپلماسی انرژی در عصر «شفافیتِ بورسی»

آرتمیف به درستی استدلال می‌کند که زیرساخت‌های بورسی می‌توانند به عنوان ابزاری عملی برای پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند. چرا؟ چون «معاملات بورسی که بر پایه قواعد مشترک و رویه‌های شفاف انجام می‌شوند، شرایط مساعدی برای همکاری متقابلاً سودمند فراهم می‌کنند.» در دیپلماسی انرژی، «شفافیت» یک دارایی است. کشورهای همسایه و شرکای تجاری ایران، اگر بدانند که می‌توانند از طریق یک پلتفرم استاندارد و بدون اما و اگرهای سیاسی، انرژی موردنیاز خود را خریداری کنند، ریسک کمتری را متحمل می‌شوند. بورس انرژی ایران با تبدیل شدن به این «پلتفرم خنثی و حرفه‌ای»، می‌تواند به بازوی اصلی دیپلماسی انرژی کشور تبدیل شود. وقتی معامله‌گر خارجی در بورس ایران حضور پیدا می‌کند، دیگر معامله‌گر یک دولت نیست، بلکه عضوی از یک بازار است که قواعدِ شفافی دارد. این «تفکیک فضای اقتصادی از فضای سیاسی»، کلید موفقیت در دور زدن محدودیت‌های ناعادلانه است. بورس انرژی نه تنها خریدار را جذب می‌کند، بلکه به دلیل «شفافیت در کشف قیمت»، اعتماد جامعه جهانی را به استانداردهای تجاری ایران جلب می‌کند.

شاخص‌سازی؛ از «بازار کالا» تا «مرجعیت داده»

شاید عمیق‌ترین توصیه مدیرعامل SPIMEX در این مصاحبه، ضرورت راه‌اندازی و تقویت «شاخص‌های ترکیبی قیمت انرژی» باشد. آرتمیف با معرفی تجربه موفق SPIMEX در راه‌اندازی «آژانس ملی قیمت‌گذاری»، عملاً نقشه راهی برای بورس انرژی ایران ترسیم می‌کند. او می‌گوید: «شاخص‌های قیمت صرفاً نشان‌دهنده قیمت یک منبع انرژی خاص نیستند؛ بلکه ماهیتاً به عنوان دماسنج فعالیت اقتصادی عمل می‌کنند.» در واقع، اگر ایران بخواهد در تجارت منطقه‌ای اثرگذار باشد، باید از مرحله «معامله‌گری» به مرحله «مرجعیت داده» (Data Authority) برسد. وقتی بورس ایران بتواند شاخص‌های قیمت فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی خود را در سطح منطقه (مثلاً در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، دریای خزر و اوراسیا) منتشر کند، عملاً به «مرجع قیمت‌گذاری منطقه‌ای» تبدیل می‌شود. این یعنی قدرت! یعنی سایر بازیگران منطقه، قیمت‌های خود را با معیارهای بورس انرژی ایران تنظیم می‌کنند. ایجاد یک دیتاسنتر قدرتمند از معاملات واقعی (اعم از بورس و خارج از بورس) همان کاری است که روسیه با آژانس ملی قیمت‌گذاری خود انجام داده و به بازاری در عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی دسترسی پیدا کرده است. این، همان «قدرت نرم اقتصادی» است که ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربه شرکای روسی به دست آورد. در عصر داده‌محور، کسی که «مرجع قیمت‌گذاری» باشد، قواعد بازی را تعیین می‌کند.

بورس انرژی به مثابه خاکریز دفاع اقتصادی

در پایان، باید گفت که گفت‌وگوی ایگور آرتمیف، فراتر از تعارفات دیپلماتیک رایج، یک «فراخوان برای اصلاح ساختاری» است. بورس انرژی ایران امروز در نقطه‌ای حساس از تاریخ اقتصاد ایران ایستاده است. برای مدیران بازار سرمایه و سیاست‌گذاران انرژی، پیام آرتمیف واضح است: «توسعه بازارهای متشکل، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتِ بقا در جهان پرنوسان انرژی است.» ایران برای اینکه بتواند به بازیگری اثرگذار در زنجیره تأمین انرژی جهان و منطقه تبدیل شود، باید زیرساخت‌های بورس خود را به گونه‌ای تجهیز کند که نه تنها بستری برای عرضه کالا، بلکه محلی برای کشف واقعی قیمت، مدیریت ریسک پروژه‌های زیرساختی و جذب سرمایه‌گذار بین‌المللی باشد.

همکاری با SPIMEX می‌تواند «میان‌بر» ایران برای رسیدن به این بلوغ باشد. استفاده از تجربیات روس‌ها در پیاده‌سازی شاخص‌های قیمت، جذب معامله‌گران خارجی و ایجاد شفافیت در زنجیره عرضه، می‌تواند بورس انرژی را از یک نهاد داخلی، به یک وزنه اثرگذار منطقه‌ای تبدیل کند. در دنیای جدید، «اطلاعات و قیمت‌های شفاف»، گران‌بهاتر از خود بشکه‌های نفت هستند. اگر ایران بتواند از طریق بورس انرژی، «مرجعیت قیمتی» خود را در بازارِ فرآورده‌های پالایشی و پتروشیمی تثبیت کند، عملاً دیپلماسی انرژی خود را به سطح بالاتری ارتقا داده است.

سخن آخر اینکه، زمان آن رسیده است که بخش انرژی ایران با تکیه بر ابزارهای بازار سرمایه، حصارهای ناشی از نگاه‌های دستوری را بشکند و با استفاده از مدل‌های آزموده شده‌ای نظیر آنچه در SPIMEX اجرا شده است، به سوی یک اقتصاد رقابتی حرکت کند. این «تغییر نگاه»، کلید طلایی برای باز کردن گره‌های کور اقتصادی و تقویت تاب‌آوری ملی در برابر شوک‌های بیرونی است. بورس انرژی نه فقط یک نهاد اقتصادی، که خط مقدم نبرد برای استقلال اقتصادی است؛ جایی که شفافیت، به قدرت بدل می‌شود و بازار، عدالت را برقرار می‌کند. آینده اقتصاد انرژی، نه در راهروهای وزارتخانه‌ها، بلکه در تابلوهای معاملاتی بورس‌های شفاف رقم خواهد خورد.

اخبار

فراهم شدن امکان دریافت برخط گزارش‌ها در سامانه دارا

سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) اعلام کرد پس از عملیاتی شدن امکان دریافت «گزارش رجیستری مجمع»، در ادامه توسعه خدمات مرتبط با برگزاری مجامع ناشران بازار سرمایه و به‌منظور تسهیل دسترسی شرکت‌ها به داده‌های کلیدی، درگاه یکپارچه ذی‌نفعان بازار سرمایه (دارا) به امکانات تازه‌ای مجهز شده است.

با فعال‌سازی این قابلیت جدید در داشبورد اختصاصی ناشران در درگاه یکپارچه ذی‌نفعان بازار سرمایه (دارا)، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس می‌توانند پیش از برگزاری مجامع عمومی خود، علاوه بر گزارش رجیستری، گزارش‌های معاملات و نقل و انتقالات سهام را نیز به‌صورت لحظه‌ای و برخط دریافت کنند. مهم‌ترین دستاورد این اقدام فنی، مرتفع شدن محدودیت زمانی ۵ روزه‌ای است که پیش از این برای دریافت این دسته از گزارش‌ها وجود داشت.

این اقدام زیرساختی را معاونت فناوری و توسعه نوآوری شرکت سپرده‌گذاری مرکزی با اهدافی هم‌چون تسهیل و تسریع دسترسی ناشران به اطلاعات مورد نیاز برای برگزاری مجامع، کاهش مراجعات حضوری و درخواست‌های پشتیبانی به این شرکت، و همچنین ارتقای کیفیت، سرعت و شفافیت ارایه خدمات الکترونیک در درگاه «دارا» پیاده‌سازی و عملیاتی کرده است. سپرده‌گذاری مرکزی با هدف توسعه یکپارچه خدمات خود، به‌صورت مستمر بسترهای درگاه یکپارچه ذی‌نفعان بازار سرمایه «دارا» را بر اساس نیاز ناشران و سهامداران به‌روزرسانی می‌کند. در همین سو، در گام‌های قبلی گزارش‌های «رجیستری مجمع» روی این بستر قرار گرفته بود و اکنون با الحاق گزارش‌های نقل‌وانتقال و معاملات، زنجیره ابزارهای تحلیلی و مدیریتی ناشران پیش از برگزاری مجامع کامل‌تر شده است. حذف فرایندهای کند سنتی و پایان دادن به خطای انسانی در ارایه گزارش‌های پیش از مجمع، نشان‌دهنده تغییر پارادایم سپرده‌گذاری مرکزی از ارایه خدمات متمرکز به خدمات خودکار (Self-Service) است. رفع محدودیت زمان بر ۵ روزه، به مدیران ناشران این امکان را می‌دهد تا در سریع‌ترین زمان ممکن و با دقیق‌ترین ترکیب سهامداری وارد جلسه مجمع شوند. این اقدام نه‌تنها از ترافیک اداری در روزهای اوج مجامع می‌کاهد، بلکه امنیت و صحت داده‌های پایه را در اکوسیستم بازار سرمایه به حداکثر می‌رساند.

تعداد سهامداران فعال بورس در مرداد ۱۴۰۵

داده‌های آماری مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس نشان می‌دهد در مرداد امسال، سهم حقیقی‌ها، حقوقی‌ها و صندوق‌های سهامی، به ترتیب ۵،۷۹۹، ۲۵۳ میلیارد ریال (۶۶.۳ درصد)، ۱،۰۲۲،۲۲۶ میلیارد ریال (۱۱.۷ درصد) و ۷۱۷،۴۵۱ میلیارد ریال (۸.۲ درصد) بود. همچنین در این بازه زمانی، تعداد سهامداران فعال در بازار اعم از: حقیقی و